

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۶ ♦ زمستان ۱۳۹۳
صفحات: ۱۴۹-۱۳۱ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰



زیارت قبور و سفرهای زیارتی از نگاه اهل سنت

محمد اصغری نژاد*

چکیده

مسلمانان از دیرباز قبور افرادی را که به نظر آنها صالح و شایسته بودند، زیارت می‌کردند و این رویکرد به صورت رویه، سیره و عادت مسلمانان شده است. بدیهی است که لازمه زیارت قبور، طی مسافت بین محل اسکان زائر تا قبر مورد نظر است. از اینجا مسئله «شد رحال» و سفر به منظور زیارت قبور مطرح می‌شود. قریب به اتفاق علمای اهل سنت با گرایش‌های گوناگونی که دارند، زیارت قبور و شد رحال برای این منظور را مجاز می‌دانند. البته بر زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ تأکید بیشتری دارند. حتی برخی زیارت این مرقد شریف را واجب می‌دانند. در این مقاله روایاتی درباره فضیلت زیارت اهل قبور، به ویژه قبر مطهر حضرت رسول ﷺ، آورده‌ایم و نمونه‌های قابل توجهی از زیارت‌هایی را که افراد سرشناس اهل سنت - اعم از سیاسی یا مذهبی - از قبور صالحان، به ویژه رسول گرامی اسلام، انجام داده‌اند و در کتاب‌های تاریخ غیر آن ثبت شده، طرح کرده‌ایم. به برخی توسلات اهل سنت اشاره کرده‌ایم و بعضی از شبهاتی را که در این زمینه بازگو کرده‌اند، پاسخ گفته‌ایم. با وجود روایات فراوانی که در زمینه زیارت قبور وجود دارد و علی‌رغم سیره مسلمانان و اجماعاتی که در خصوص مشروعیت یا فضیلت زیارت قبر مقدس نبوی ﷺ ادعا شده، تعداد بسیار محدودی مانند ابن تیمیه به مخالفت پرداخته‌اند و زیارت و توسل به صالحان را نادرست و شرک

* خارج فقه و اصول.

دانسته‌اند. ولی علمای اهل سنت پاسخ‌های دندان‌شکنی به این افراد داده‌اند که در این مقاله شماری از آنها ذکر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شد رحال، زیارت، قبر شریف پیامبر ﷺ، زیارت قبور، سفر، شرک.

مقدمه

به دلیل اینکه بُعد اصلی حیات انسان را روح او تشکیل می‌دهد و از سنخ مجردات است، با مرگ، همچنان باقی است و از بین نمی‌رود. بنابراین، باید دانست که زیارت قبور، زیارت سنگ و گچ و در و دیوار قبور و امثال آن نیست؛ بلکه زیارت روح و بُعد اصلی انسان بعد از مرگ اوست؛ و علت آمدن زائر کنار قبر برای علاقه و ارتباطی است که روح به پیکر خود دارد. برای همین، گفته شده که رابطه و جاذبه ذاتی روح و بدن هرگز گسیخته نخواهد شد؛ حتی بعد از مرگ.^۱ برای همین بین کسی که از راه دور با یک روح ارتباط برقرار می‌کند با کسی که کنار قبر او می‌آید، تفاوت وجود دارد. این تفاوت در عکس‌العمل روح به زائر قبر است. یعنی واکنش روح یک مرده، که شایستگی لازم را داشته باشد و انسان صالحی باشد، به فردی که کنار قبرش می‌آید در مقایسه با فردی که از راه دور با او ارتباط برقرار می‌کند، واکنش بهتری خواهد بود. ظاهراً تمامی مسلمانان از اصل این موضوع اطلاع دارند. برای همین رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند و کنار قبور مورد نظر خود، به ویژه قبر مطهر و منور پیامبر ﷺ، می‌روند؛ و چون می‌دانند که آن حضرت این توانایی را دارد که در دعاها و درخواست‌های مشروع آنها وسیله و واسطه برای گرفتن نتیجه بهتر باشد، به روح ملکوتی و مقدسش متوسل می‌شوند.

بنابراین، توسل از نگاه عقلی امکان‌پذیر است و برای زیارت قبور منعی از نظر عقل وجود ندارد. مقدمه آن هم، که سفر و طی طریق باشد، لازم است؛ زیرا در غیر این صورت، زیارت قبور صورت نمی‌گیرد. دلایل نقلی هم منع و رادعی برای زیارت قبور و دعا در کنار قبور و توسل به ارواح مردگان، به ویژه صالحان، نمی‌بیند؛ بلکه آن را توصیه

۱. نک.: سید محمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

می‌کند؛ مخصوصاً در خصوص انبیا و شخصیت‌های معنوی و از همه بیشتر راجع به قبر منور رسول خدا ﷺ. بدیهی است که «شد رحال» و مسافرت برای این منظور، فضیلت دارد و دست کم امری مجاز و مشروع است.

در این مقاله برخی دلایل نقلی درباره مشروعیت و فضیلت زیارت قبور و سفر برای این منظور را طرح می‌کنیم و فتاوی‌ای شماری از علمای اهل سنت و برخی اجماعاتی را که در مشروعیت زیارت ادعا شده، حکایت می‌کنیم و به سیره مسلمانان در این خصوص تا حدود قابل ملاحظه‌ای می‌پردازیم و به برخی شبهات زیارت پاسخ می‌گوییم. ضرورت طرح این موضوع ناشی از دامن زدن وهابیان به غیرمجاز بودن این عمل و غیرمجاز بودن مسافرت برای این مقصود است که ابن تیمیه و هم‌فکران او طرح کرده‌اند و متأسفانه در این دوره هم پیروانی دارد.

نگاه اهل سنت به زیارت قبور و سفرهای زیارتی

غالب اهل سنت از دیرباز تا کنون از اطراف و اکناف جهان برای زیارت قبوری که به نحوی با آنها ارتباط داشته، مخصوصاً قبور صالحان و قبر شریف پیامبر ﷺ سفرهای زیارتی می‌کرده‌اند. آرا و فتاوی‌ای بسیاری از علمای سنی هم بر جواز یا رجحان و فضیلت قبور صالحان و قبر شریف رسول خدا ﷺ است. در این مقاله نخست، پاره‌ای از روایاتی را که در زمینه زیارت قبور وارد شده، یادآوری می‌کنیم. آنگاه به شماری از فتاوی‌ای اهل سنت و رویه عملی و رویکرد آنها در موضوع زیارت، که به طور مطابقی یا التزامی بر جواز یا رجحان سفرهای زیارتی دلالت می‌کند، می‌پردازیم. در ضمن این مباحث به برخی شبهات مطرح‌شده و پاسخ آنها اشاره خواهیم کرد.

روایاتی درباره فضیلت زیارت قبور، به ویژه قبر شریف پیامبر ﷺ

با توجه به پاره‌ای از روایات که درباره فضیلت زیارت قبور، به ویژه زیارت قبر منور رسول الله ﷺ است، مشخص می‌شود که سفر برای زیارت قبور جایز یا مستحب است.

چون ذی‌المقدمه جز با طی طریق و پیمودن مسافت، محقق نمی‌شود، بنابراین از باب «ما لا يتم الشيء الا به» باید سفر یا پیمودن مسافت بین منزل (یا محل سکونت و مانند آن) و قبر مزور، محقق شود و لذا «سفر» یا طی طریق - در صورتی که بر پیمودن مسافت‌های کوتاه عنوان «سفر» اطلاق نشود - مستحب و لا اقل، جایز و مشروع است.

۱. ابن حجر می‌گوید ابوالشیخ در کتاب الثواب به سند جید این روایت را از رسول خدا ﷺ نقل کرده است: «من صلی علی عند قبری سمعته ...».^۱ احمد بن صدیق غماری اسناد این حدیث را «نظیف»^۲ دانسته است.^۳

۲. عبدالله بن عمر نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی». گفته شده که درجه این حدیث، «حسن» است.^۴ ابن حجر هیتمی در تعلیقه خود بر این حدیث در حاشیه‌ی الايضاح می‌نویسد: «الحديث ... يشمل الذكر والاشی من قرب او بعد فيستدل به علی فضيلة شد الرحال لذلك و ندب السفر للزيارة اذ للوسائل حكم المقاصد».^۵

۳. ابوهريه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که آن بزرگوار فرمودند: «ما من احد يسلم علی الا رد الله علی روحی حتی ارد علیه السلام». نووی می‌گوید این حدیث را ابوداود به اسناد صحیح نقل کرده است.^۶

۴. شربینی، از علمای شافعی قرن دهم هجری، از ابن‌سکن در سنن خود، که صحاح مأثوره را مطرح کرده، این روایت را از رسول خدا ﷺ نقل کرده است: «من جاءنی زائراً لم تنزعه حاجة الا زیارتی، کان حقاً علی الله تعالی ان اکون له شفیعاً يوم القيامة».^۷

۱. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۳۵۲.

۲. «نظیف» واژه‌ای است که در کتاب‌های رجال اهل سنت به کار می‌رود و ظاهراً به معنای موثق بودن رجال حدیث است.

۳. نک: محمد سعید مملوح، رفع المناره، ص ۲۸۹.

۴. نک: همان، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۵. همان، ص ۵۱ و ۵۲.

۶. یحیی بن شرف نووی، المجموع، ج ۸، ص ۲۷۲.

۷. خطیب شربینی، مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۲.

۵. بخاری در صحیح خود این روایت را از پیامبر ﷺ حکایت کرده است: «من صلی علی عند قبری، وکل الله به ملکاً یبلغنی و کفی امر دنیا و آخرته و کنت له شفیعاً او شهیداً یوم القيامة».^۱

۶. واقدی، تاریخ نگار قرن دوم و سوم هجری، درباره روایت رسول خدا ﷺ در ترغیب مردم به زیارت شهدای جنگ احد می نویسد: «و مرّ رسول الله علی مصعب بن عمیر فوقف علیه، و دعا، و قرأ: رجالٌ صدّقوا ما عاهدوا الله علیهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِیلاً، أشهد أنّ هؤلاء شهداء عند الله یوم القيامة، فأتوهم و زوروهم و سلّموا علیهم. و الذي نفسي بیده، لا یسلّم علیهم أحد إلى یوم القيامة إلا ردّوا علیه».^۲

۷. قرطبی به نقل از امام علی علیه السلام روایت ذیل را از رسول خدا ﷺ درباره ثواب خواندن ۱۱ مرتبه سوره توحید هنگام مرور به قبور مسلمان ها این گونه ذکر کرده است: «من مر علی المقابر و قرأ قل هو الله احد احدی عشر مرة ثم وهب اجره للاموات، اعطی من الاجر بعدد الاموات».^۳

آرا و فتاوی اهل سنت درباره زیارت و سفرهای زیارتی

در اینجا آرا و فتاوی شماری از علمای اهل سنت درباره توسل و شفاعت و فضیلت زیارت گزارش می شود. این آرا و فتاوا به دلالت مطابقی یا التزامی به مشروعیت و جواز یا استحباب سفرهای زیارتی دلالت می کند. در برخی از فتاوا هم به استحباب سفر برای زیارت مرقد مقدس پیغمبر ﷺ تصریح شده است.

۱. ابن هبیره (متوفای ۵۶۰ ه.ق.) در کتاب اتفاق الأئمة می گوید: «اتفق مالک والشافعی و أبو حنیفة و أحمد بن حنبل رحمهم الله تعالی علی أن زیارة النبی صلی الله علیه وسلم مستحبة».^۴

۱. خطیب شربینی، مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۲.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۱.

۴. أبو عبد الله عبدی فاسی مالکی، المدخل، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. احمد بن حنبل می گوید: «اذا دخلتم المقابر فاقرأوا الفاتحة والمعوذتين»^۱.
۳. علامه أبو عمران فاسي (متوفای ۴۰۳ ه.ق.) می گوید: «أن زیارة النبی صلی الله علیه وسلم واجبة»^۲.
۴. قرطبی، از مفسران قرن هفتم هجری (متوفای ۶۷۱ ه.ق.)، می نویسد: «و ینبغی لمن عزم علی زیارة القبور، ان یتأدب بآدابها و یحضر قلبه فی اتیانها ... و یسلم اذا دخل المقابر و یخاطبهم خطاب الحاضرين فیقول: السلام علیکم دار قوم مؤمنین»^۳.
۵. شمس الدین بن عبد الواحد مقدسی، از علمای حنبلی مذهب و متوفای ۶۶۳ ه.ق.، بعد از نقل چند حدیث درباره زیارت اهل قبور و فضیلت و ثواب قرائت قرآن برای اموات (یعنی حدیث «من مر علی المقابر و قرأ قل هو الله احد احدی عشر مرة ثم وهب اجره للاموات، اعطی من الاجر بعدد الاموات» و حدیث «من دخل المقابر ثم قرأ فاتحة الكتاب و قل هو الله احد و الهیکم التکاثر ثم قال: انی جعلت ما قرئت من کلامک لاهل المقابر من المؤمنین و المؤمنات، کانوا شفعاء له الی الله تعالی») و «من دخل المقابر فقرأ سورة يس، خفف الله عنهم و کان له بعدد من فیها من الحسنات») در یک جمع بندی می نویسد: «و هذه الاحادیث و ان كانت ضعيفة فمجموعها يدل علی ان لذلك اصلاً و ان المسلمین ما زالو فی کل مصر و عصر یجتمعون و یقرؤون لموتاهم من غیر نکیف فکان ذلک اجماعاً»^۴.
۶. نووی، از فقهای شافعی مذهب و متوفای ۶۷۶ ه.ق.، درباره زیارت قبور به طور کلی می گوید: «اتفقت نصوص الشافعی والاصحاب علی انه استحب للرجال زیارة القبور و هو قول العلماء كافة نقل العبدی فیہ اجماع المسلمین، دلیله مع الاجماع الاحادیث الصحیحة المشهورة ... و اما النساء فقال المصنف [ای صاحب المذهب] و صاحب البیان: لا تجوز لهن زیارة ... والذي قطع به الجمهور انها مکروهة لهن کراهة تنزیه و ذکر

۱. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۱.

۲. أبو عبد الله عبدی فاسی مالکی، المدخل، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۰.

۴. أبو العلا مبارکفوری، تحفة الاحوذی، ج ۳، ص ۲۷۵.

الرويانى فى البحر وجهين: احدهما يكره كما قاله الجمهور والثانى لا يكره قال: وهو الاصح اذا امن الافتنان»^۱.

۷. نووی در موضعی دیگر درباره فضیلت زیارت مرقد مطهر نبوی ﷺ و سفر حجاج برای این منظور می‌گوید: «و اعلم ان زیارة قبر رسول الله ﷺ من اهم القربات و انجح المساعي فاذا انصرف الحجاج والمعتمرون من مكة، استحب لهم استحباباً مؤكداً ان يتوجهوا الى المدينة لزيارته ﷺ و ينوي الزائر مع الزيارة التقرب و شد الرحل اليه»^۲.

۸. ابن قدامه، متوفای ۶۲۰ ه. ق. و از فقهای حنبلی مذهب، درباره جواز سفرهای زیارتی می‌گوید: «فان سافر لزيارة القبور والمشاهد، فقال ابن عقيل: لا يباح له الترخص؛ لانه منهي عنه السفر اليها قال النبي ﷺ: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد» متفق عليه. والصحيح اباحته و جواز القصر فيه لان النبي ﷺ كان يأتي قباء راكباً و ماشياً و كان يزور القبور و قال: «زوروا القبور تذكركم الاخرة» واما قوله «لا تشد الرحال...» فيحمل على نفى التفضيل لا على التحريم؛ يعني اگر انسان به منظور زیارت قبرها و مشاهد سفر کند، ابن عقیل گوید ترخص برای او مباح نیست [یعنی نمی‌تواند نمازش را شکسته بخواند]؛ چون سفر برای این‌گونه امور منهی عنه است: رسول خدا (ص) می‌فرماید «مسافرت جز به مقصد سه مسجد روا نیست» این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند و همه علما بر آن اجماع دارند. [ابن قدامه در پاسخ به ابن عقیل گوید: [نظر صحیح، مباح بودن چنین سفری و جواز قصر نماز در آن است؛ چراکه پیامبر (ص) پیاده و سواره به مسجد قبا می‌رفت و به زیارت قبور می‌پرداخت و فرمود: «به زیارت قبور پردازید؛ چراکه آخرت را به یاد شما می‌اندازد». منظور آن حضرت از «لا تشد الرحال...» نفی تفضیل مسافرت به غیر از آن سه مسجد است نه اینکه سفر به دیگر مساجد و بقاع حرام باشد.

۹. ابن الجزری، از علمای شافعی مذهب و متوفای ۸۳۳ ه. ق.، در کتاب الحصن الحصین می‌نویسد: «أن من آداب الدعاء أن يتوسل الداعي إلى الله تعالى بانبیائه

۱. یحیی بن شرف نووی، المجموع، ج ۵، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۷۲.

والصالحين من عباده»^۱. بدیهی است که اگر انسان بخواهد کنار قبور مطهر انبیا و قبور صالحان به ارواحشان توسل پیدا کند، باید به اماکنی که این مزارها در آن اماکن است، سفر کند؛ و این یعنی استحباب یا جواز شد رحال برای این مقصد.

۱۰. ابن الحاج (عبدی مالکی)، متوفای ۷۲۷ ه.ق.، در کتاب شرح الرسالة در اهمیت فوق العاده حرکت و سفر زیارت مرقد مقدس نبوی ﷺ و ترجیح آن بر حرکت و سفر برای زیارت کعبه و بیت المقدس می گوید: «ان المشی الى المدينة لزيارة قبر النبی ﷺ افضل من المشی الى الکعبة و بیت المقدس»^۲. حصنی دمشقی در تأیید سخن عبدی می نویسد: «صدق و اجاد (رض) لانه افضل البقاع بالاجماع»^۳.

ابن الحاج درباره عظمت انبیای الهی و سفر برای زیارت قبور شریفشان و آداب زیارت و اینکه ابدان مطهرشان صحیح و سالم است و زائر باید به هنگام زیارت، به حال انکسار و خضوع باشد و به آن بزرگواران برای غفران گناهان و رسیدن به نیازمندی های شرعی توسل پیدا کند و یقین به اجابت دعا داشته باشد - چراکه ابواب رحمت الهی هستند و سنت الهی بر این جاری گشته که حوایج مردم به دست آن بزرگواران برآورده شود- در کتاب المدخل می نویسد: «و أما عظیم جناب الأنبياء، والرسول صلوات الله و سلامه عليهم فيأتي إليهم الزائر، و يتعين قصدهم من الأماكن البعيدة. فإذا جاء إليهم فليتصف بالذل، والانكسار، والمسكنة، الفقر والفاقة، والاضطرار، والخضوع، و يحضر قلبه و خاطره إليهم، و إلى مشاهدتهم بعين قلبه لا بعين بصره، لأنهم لا يبلون و لا يتغيرون...، ثم يتوسل إلى الله تعالى بهم في قضاء مآربه و مغفرة ذنوبه، و يستغيث بهم و يطلب حوائجه منهم، و يحزم بالاجابة ببركتهم، و يقوى حسن ظنه في ذلك، و انهم باب الله تعالى المفتوح، و جرت سنة الله سبحانه على قضاء الحوائج على أيديهم و بسببهم»^۴.

۱. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العينين في محاكمة الاحمدين، ص ۴۹۹.

۲. تقی الدین حصنی دمشقی، دفع الشبه، ص ۱۸۸.

۳. همان.

۴. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العينين، ص ۴۹۹.

۱۱. شمس الدین ذهبی، متوفای ۷۴۸ ه.ق.، در موضعی از کتاب سیر اعلام النبلاء، در اواخر شرح حال از سیده «نفیسه» به عنوان «قیل»، درباره جایگاه معنوی سیده نفیسه و مستجاب بودن دعا کنار قبر وی، می‌نویسد: «و قیل کانت من الصالحات العواید والدعاء مستجاب عند قبرها». ذهبی در ادامه، نظر و عقیده خود را درباره مستجاب بودن دعا کنار قبور صالحان و پیامبران و اماکن مقدس، این‌گونه ذکر می‌کند: «بل و عند قبور الانبياء والصالحين و في المساجد و عرفة و مزدلفة ...»^۱. وقتی دعا و حاجات انسان در این اماکن شریف مخصوصاً جوار قبر مطهر پیامبر ﷺ مطلوب و مستجاب باشد، قطعاً شد رحال و مسافرت برای تشرف به این اماکن مستحب و لا اقل مباح و مجاز خواهد بود.

۱۲. حصنی دمشقی، از علمای قرن نهم هجری، درباره سنت زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ و سیره مسلمانان در تمامی اعصار و امصار و نیز زیارت قبور مطهر انبیا می‌گوید: «زيارة قبر النبي ﷺ سنة سائرة بين المسلمين و لم تزل الناس على زيارة قبر الخليل والكليم و غيرهما في سائر الاعصار من جميع الامصار»^۲.

۱۳. صاحب التلخیص، از علمای حنبلی مذهب، می‌نویسد: «لا یاس بالتوسل في الاستسقاء بالشیوخ، والعلماء المتقین»^۳.

۱۴. بدرالدین عینی، شارح صحیح بخاری و متوفای ۹۲۳ هجری، به نقل از استاد خود به نام زین الدین درباره نیکو بودن و جواز بوسیدن دست و پای صالحان و اماکن مقدس و اینکه احمد بن حنبل بوسیدن قبر و منبر شریف پیامبر ﷺ را مجاز می‌دانست، می‌نویسد: «و اما تقبيل الاماكن الشريفة على قصد التبرک و کذا تقبيل ايدي الصالحين و ارجلهم، فهو حسن محمود باعتبار القصد و النية ... اخبرني الحافظ ابو سعيد العلائي قال رأيت في كلام احمد بن حنبل في جزء قديم عليه خط ابن ناصر و غيره من الحفاظ ان الامام احمد سئل عن تقبيل قبر النبي و تقبيل منبره فقال: لا بأس بذلك. قال فأریناه

۱. محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

۲. تقی الدین حصنی دمشقی، دفع الشبه، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۳. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ج ۱، ص ۵۰۰.

للشیخ تقی الدین بن تیمیة فصار يتعجب من ذلك و يقول عجت احمد عندی جلیل یقولہ
هذا كلامه او معنى كلامه. و قال ای عجب فی ذلك و قد روينا عن الامام احمد انه غسل
قميصاً للشافعی و شرب الماء الذى غسله به»^۱.

وقتی بوسیدن اماکن شریف و مقبره‌های صالحان، به ویژه انبیا و نبی مکرم اسلام
کاری حسن باشد، مقدمه آن، که سفر باشد، هم حسن است و لا اقل باید جایز باشد و الا
چگونه می‌توان به این کار محمود و حسن اقدام کرد؟

۱۵. زکریا بن محمد انصاری، از علمای شافعی مذهب و متوفای ۹۳۶ ه.ق.، درباره
مستحب بودن زیارت مرقد شریف نبوی ﷺ برای حاجی‌ها و غیر آنها می‌نویسد: «و سن
شرب ماء زمزم ... و زیارة قبر النبی ﷺ و لو لغير حاج و معتمر»^۲.

۱۶. موسی بن احمد حجاوی حنبلی، مفتی حنابلہ در دمشق و متوفای ۹۶۰ ه.ق.، در
کتاب الاقناع بر سنت بودن زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ برای همگان، مردها و زن‌ها،
فتوا داده است.^۳ وی در موضعی دیگر می‌گوید: «و اذا فرغ من الحج، استحلب له زیارة
النبی»^۴.

۱۷. احمد بن نجار فتوحی، از عالمان حنبلی مذهب و متوفای ۱۰۶۴ ه.ق.، نویسنده
کتاب منتهی الارادات، می‌گوید: «و یباح التوسل بالصالحین». ابن مفلح حنبلی نیز همین
نکته را در فروع خود ذکر کرده است.^۵

۱۸. شارح کتاب الاقناع، یعنی منصور بن یونس بهوتی حنبلی، متوفای ۱۰۵۱ ه.ق.،
بر سنت بودن زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ برای همگان، مردها و زن‌ها، فتوا داده، دلیل
خود را عموم ادله زیارت آن حضرت ذکر کرده است.^۶

۱. بدر الدین عینی، عمدة القاری، الجزء التاسع، ص ۲۴۱.

۲. زکریا بن محمد انصاری، فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. منصور بن یونس بهوتی، کشاف القناع، ج ۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۹۸.

۵. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ج ۱، ص ۵۰۰.

۶. منصور بن یونس بهوتی، کشاف القناع، ج ۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

بهوتی مستند استحباب زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ را حدیث ابن عمر از رسول خدا ﷺ دانسته است که فرمود: «من حج فزار قبری بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی»؛ و حدیثی دیگر از آن حضرت که می‌فرماید: «من زار قبری، وجبت له شفاعتی». وی در دنباله کلام خود، سخنی از قاضی القضاة محب الدین بن نصر الله بغدادی حنبلی، متوفای ۸۴۴ ه.ق.، درباره این نکته که لازمه استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ استحباب شد رحال و سفر به آن موضع است، به صورت ذیل نقل کرده است: «قال ابن نصر الله: لازم استحباب زیارة قبره ﷺ استحباب شد الرحال اليها؛ لان زیارته للحاج بعد حجه لا تمکن بدون شد الرحال فهذا کالتصریح باستحباب شد الرحل لزیارته».^۱

بهوتی در موضعی دیگر حکم استفاده شده از حدیث «لا تشد الرحال...» را مانع سفر کردن به اماکن مقدس ندانسته است. یکی از دلایل بهوتی و امثال او سیره پیامبر ﷺ در خصوص طی طریق برای زیارت قبور و مشرف شدن به مسجد قبا و حدیث ایشان درباره زیارت قبور است: «و حدیث "لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد" ... فلیس نهیاً عن شدها لغیرها خلافاً لبعضهم؛ لانه کان یأتی قباء راکباً و ماشياً و یزور القبور و قال: زوروها فانها تذکرکم الآخرة».^۲

۱۹. محمد بن اسماعیل کحلانی، متوفای ۱۱۸۲ ه.ق.، شد رحال (مسافرت) برای زیارت قبور را جایز دانسته است و منظور از حدیث «لا تشد الرحال...» را این دانسته که ثواب کامل و تام فقط در سفر به سوی سه مسجد مزبور به دست می‌آید نه اینکه سفر به سوی دیگر مساجد و اماکن، مجاز نباشد و اصلاً ثوابی نداشته باشد: «اما شد الرحال الی قبور الصالحین والمواضع الفاضلة، فقال الشیخ ابو محمد الجوینی: انه حرام... قال النووی: والصحیح عند اصحابنا و هو الذی اختاره امام الحرمین والمحققون، انه لا یحرم و

۱. منصور بن یونس بهوتی، کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۶.

لا يكره قالوا: والمراد [بحديث لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد ...] ان الفضيلة التامة انما هي في شد الرحال الى الثلاثة خاصة»^۱.

۲۰. سيد محمد امين، معروف به ابن عابدين، از علمای حنفی مذهب قرن سیزدهم و متوفای ۱۲۵۲ ه.ق.، درباره استحباب زیارت قبور در هر هفته می‌نویسد: «لا بأس بها [ای زیارة القبور] بل تندب ... و تزار فی کل اسبوع»^۲.

ابن عابدين علت تأکید پیامبر ﷺ بر «شد رحال» و سفر برای تشرف به مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجدالاقصى را ثواب مضاعف آنها می‌داند. وی معتقد است این حدیث ممنوعیتی برای سفر به مساجد دیگر و سفر برای مقاصد دیگر، که برای صله رحم و زیارت قبور و غیر آن است، ایجاد نمی‌کند و اصلاً ناظر به چنین سفرهایی نیست. عبارت ابن عابدين در این خصوص به قرار ذیل است: «و فی الحديث المتفق عليه: "لا تشد الرحال ..." والمعنى: انه لا تشد الرحال لمسجد من المساجد الا لهذه الثلاثة لما فيها من المضاعفة بخلاف بقية المساجد فانها متساوية في ذلك فلا يرد انه قد تشد الرحال لغير ذلك كصلة رحم و تعلم علم و زیارة المشاهد كقبر النبی و قبر الخلیل و سائر الائمة»^۳.

۲۱. فقهایی مثل شوکانی، متوفای ۱۲۵۵ ه.ق.، هم در پاسخ به شبهه امثال ابن تیمیه که «شد رحال» و مسافرت برای زیارت قبر شریف پیامبر را به بهانه حدیث «لا تشد الرحال ...» غیرمجاز دانسته‌اند، گفته‌اند: حصر در حدیث، حصر نسبی است نه حصر حقیقی. دلیل این ادعا توجه به حدیث «لا ینبغی للمطی ان یشد رحالها الى مسجد یتبغی فيه الصلاة، غیر مسجدی هذا والمسجد الحرام والمسجد الاقصى» که به اسناد حسن ثابت شده و قریب به معنا و مضمون حدیث «لا تشد الرحال ...» است. این حدیث که پیرامون منظور پیامبر ﷺ از عدم جواز سفر در حدیث «لا تشد الرحال ...» وجود دارد، مشخص و مرتفع می‌کند. بنابراین حدیث «لا تشد الرحال ...» نظری به سفرهایی که به قصد

۱. محمد بن اسماعیل کحلانی، سبل السلام، ج ۴، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. ابن عابدين، حاشية رد المختار، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۸۹ و ۶۹۰.

زیارت قبور و غیر آن است، ندارد. از سوی دیگر، ما می‌بینیم که علما بر جواز سفر به قصد تجارت و سایر حوایج دنیوی و وجوب سفر به عرفه برای وقوف به آن و به منی برای انجام مناسک مربوط به آنجا و به مزدلفه، و وجوب سفر برای جهاد و نبرد با دشمنان اسلام و وجوب سفر و هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام و بر استحباب سفر برای کسب علم، اجماع و اتفاق نظر دارند. با این حال، چگونه می‌توان گفت که سفر برای زیارت قبر منور پیامبر ﷺ جایز نیست؟!^۱

۲۲. ملا حویش آل غازی، از علمای اهل سنت قرن چهارده هجری، درباره جواز توسل به قبور صالحان و زیارت قبور آنها و مسافرت برای این هدف و اینکه حدیث «لا تشد الرحال» ربطی به زیارت قبور صالحان ندارد و چون برکت و رحمت بر صالحان و انبیا نازل می‌شود، مجالست با آنها - در حال حیات یا ممات - موجب بهره‌برداری زائر از آن رحمت‌ها و برکت‌ها می‌شود، می‌گوید: «أما التوسل بجاههم لما يعتقد فيهم من التقرب إلى الله وعند الله و من الله فلا بأس به، و كذلك زيارة قبورهم كما ذكره صاحب المدخل رحمه الله في الجزء الأول في باب زيارة القبور، و جواز شد الرحال إليها، أما ما قاله صلى الله عليه وسلم: لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد مسجده و المسجد الأقصى والمسجد الحرام فلما فيها من التفاوت بالأجر، أما بقية المساجد فلا تفاوت فيها، لهذا لا يشملها و لا يدخل فيه زيارة قبور الأنبياء والصالحين، إذ فيهم تفاوت لأن منهم من هو أقرب إلى الله من غيره فيجوز شد الرحال لزيارتهم والتبرك بهم أمواتا كما يجوز أحياء لأن مجالستهم بركة و قد تنزل الرحمة عليهم فيستفيد منها من كان عندهم ... و حديث شد الرحال خاص بالمساجد الثلاثة و لا يصلح أن يكون حجة للمنع من زيارته المحلات الأخر التي يتبرك بها»^۲.

اما توسل به مقام و منزلت اموات به سبب این اعتقاد که آنها متقرب الى الله و عندالله و من الله هستند، اشکالی ندارد. زیارت قبور آنها هم بدون اشکال است؛ همان‌طور که

۱. نک: محمد شوکانی، نيل الاوطار، ج ۵، ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲. ملا حویش آل غازی، بیان المعانی، ج ۶، ص ۳۲۵.

صاحب مدخل، در جزء اول، در باب زیارت قبور و جواز سفر برای زیارت قبور گفته است. اما آنچه پیامبر ﷺ فرموده که «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد مسجده والمسجد الأقصى والمسجد الحرام»، این برای تفاوتی است که برای این سه مسجد از حیث ثواب وجود دارد اما سایر مساجد تفاوتی از حیث ثواب ندارند و لذا این حدیث شامل آنها نمی‌شود. همچنین، این سخن پیامبر ﷺ و نهی ایشان شامل زیارت قبور انبیا و صالحان نمی‌شود؛ چراکه برخی از آنها اقرب به خدا از دیگری بوده‌اند و برای همین، سفر به منظور زیارت قبورشان و تبرک جستن به آنها در حالی که در حال موت هستند، جایز است، همچنان که این کار در حال حیات آنها هم جایز است؛ چون نشست و برخاست با آنها برکت است و گاهی رحمت الهی بر آنان نازل می‌شود، و افرادی که نزدشان هستند، بهره‌مند می‌شوند ... حدیث «لا تشد الرحال» مخصوص آن سه مسجد است و صلاحیت حجت و دلیل بودن برای منع از زیارت اماکن دیگری که به آنها تبرک می‌شود، ندارد.

۲۳. محمد عزت دروزه، از مفسران سنی قرن چهارده هجری، درباره فضیلت زیارت قبر شریف نبوی ﷺ و سفر برای این مقصود و سیره مسلمانان در این زمینه می‌نویسد: «هناك أحاديث نبوية عديدة في فضل يثرب التي سميت بالمدينة المنورة و حرمتها و مسجد النبي صلى الله عليه و سلم فيها و شد الرحال والصلاة فيه و زيارة قبره الشريف. فصارت زيارة هذه المدينة والصلاة في مسجد النبي (ص) و زيارة قبره الشريف مما درج عليه المسلمون في كل وقت و بخاصة حجاجهم حينما يأتون إلى مكة لأداء فريضة العمرة والحج»؛^۱ روایات نبوی زیادی درباره فضیلت یثرب، که مدینه منوره نامیده شده، و حرمت آن و حرمت مسجد النبی ﷺ و سفر برای تشرف به این مسجد و زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ وجود دارد. لذا زیارت این شهر و نماز در مسجد النبی ﷺ و زیارت قبر شریف آن حضرت از امور رایج میان مردم در هر زمانی بوده است؛ مخصوصاً وقتی مردم به مکه برای ادای فريضة حج و عمره می‌آیند.

۱. محمد عزت دروزه، التفسير الحديث، ج ۶، ص ۳۴۹ و ۳۵۰.

۲۴. نعمان بن محمود آلوسی، متوفای ۱۳۱۷ ه.ق.، درباره سیره مسلمانان در زیارت مرقد منور نبوی ﷺ به امید نزول برکت و رحمت بر زائرین و نایل شدن به شفاعت آن حضرت و تفاوت نداشتن ذکر توسل و استغاثه و تشفع به آن حضرت و به غیر ایشان، از سایر انبیا و اولیاء الله، می‌گوید: «و لم یزل الناس في جميع الأزمان من جميع البلدان مجمعين على زيارة قبره المنيف، رجاء الخير والبركة، والطمع في الشفاعة، ولا فرق بين ذكر التوسل والاستغاثة والتشفع، والتوجه به - صلى الله عليه وسلم - أو بغيره من الأنبياء، وكذا الأولياء»^۱.

بدیهی است که مقدمه زیارت قبور صالحان و انبیا برای توسل و استغاثه و مانند آن جز با شدّ رجال و مسافرت امکان‌پذیر نیست؛ و احدی از مسلمانان هم چنین ادعایی نکرده است. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم چنین مسافرت‌هایی مندوب و لااقل مباح است.

۲۵. علامه محمود سعید ممدوح، از علمای معاصر اهل سنت، زیارت قبر شریف نبوی و سفر برای این منظور را مستحب می‌داند. وی دلایلی چند برای این مدعا ذکر می‌کند. از جمله دلایل او آیه ۶۴ سوره نساء (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) است. وی در تقریر این دلیل و اینکه این آیه مختص به زمان حیات آن حضرت نبوده و شماری از مفسران هم چنین برداشتی از آیه کرده‌اند، و کسانی که خلاف این مطلب گفته‌اند، دچار خطا شده‌اند، می‌گوید: «هذه الآية تشمل حالة الحياة وبعد الممات و من اراد تخصيصها بحال الحياة فما اصاب لان الفعل [ای فعل «جاؤك»] في سياق الشرط، يفيد العموم ... و قال شيخنا العلامة السيد عبد الله بن الغماري: فهذه الآية عامة تشمل حالة الحياة وحالة الوفاة و تخصيصها باحدهما يحتاج الى دليل و هو مفقود هنا. فان قيل: من اين اتى العموم حتى يكون تخصيصها بحالة الحياة دعوى تحتاج الى دليل؟ قلنا من وقوع الفعل في سيق الشرط والقاعدة المقررة في الاصول: ان الفعل اذا وقع في سياق الشرط كان عاما لان الفعل في معنى النكرة لتضمنه مصدراً منكراً والنكرة

۱. نعمان بن محمود آلوسی، جلاء العینین، ص ۵۰۴.

الواقعة فى سياق النفى او الشرط تكون للعموم وضعاً... فالآية الشريفة طالبة للمجىء اليه (ص) فى جميع الحالات لوقوع «جاؤك» فيها فى حيز الشرط الذى يدل على العموم و قد فهم المفسرون من الآية العموم»^۱.

محمد بن صالح عثيمين، كه ظاهراً تا ۱۳۶۲ ه.ق. زنده بوده است - در خصوص استدلال به آيه فوق چند اشكال كرده است: نخست اينكه در اين آيه ظرف «اذ» به كار رفته كه براى زمان ماضى است نه مستقبل. بنابر اين، مضمون آيه هيچ ارتباطى به بعد از وفات پيامبر ﷺ ندارد. دوم اينكه طبق نقل برخى روايات (مثل روايت «إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له») انسان بعد از رحلت از دنيا قادر به انجام دادن هيچ كارى نيست و اين حقيقت شامل رسول خدا ﷺ هم مى شود. لذا ايشان قادر نيستند براى گنه كاران استغفار كنند. حتى ايشان براى خودشان هم نمى توانند اين كار را انجام دهند.^۲

علامه ممدوح در پاسخ به وي متذكر اين نکته مى شود كه ظرف «اذ» براى مستقبل هم کاربرد دارد. وانگهى اين ادعا كه حضرت رسول ﷺ بعد از وفات كارى نمى تواند انجام دهد و قادر به استغفار نيست و حيات ندارد، كاملاً نادرست است. متن سخن ممدوح بدین قرار است: «اما قصره "اذ" على الزمن الماضى فقط ففيه نظر؛ لان "اذ" كما تستعمل فى الماضى فتستعمل ايضاً فى المستقبل... و قد نص على ان "اذ" تستعمل للمستقبل الازهرى فقال فى تهذيب اللغة (ج ۱۵، ص ۱۴): العرب تضع "اذ" للمستقبل... قال الله عز و جل: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا أَفْلا فُوتَ وَأَخْذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (سوره سباء، آيه ۵۱) ...^۳ استغفار سيدنا غير متعذر لامور الاول: قد صح ان النبى قال: ان الانبياء احياء فى قبورهم يصلون... و قال رسول الله: مررت على موسى [فى ليلة المعراج] و هو قائم يصلى فى قبره

۱. محمد سعيد ممدوح، رفع المناره، ص ۵۷.

۲. نك.: همان، ص ۶۱.

۳. در اینجا علامه ممدوح چند شاهد ديگر هم ذكر كرده است.

... و قال ابن القيم في «نونيته» عند الكلام على حياة الرسل بعد مماتهم^١ : والرسل اكمل حالة منه [اي من الشهيد] بلا شك ... فلذلك كانوا بالحيات احق من شهدائنا بالعقل والبرهان ... الثاني: ثبت ان النبي قد صلى اماماً بالانبياء (عليهم السلام) في الاسراء و هذا متواتر و كانوا قد ماتوا جميعاً و راجعه موسى في الصلوات و رأى غيره [اي غير موسى] في السماوات. فمن كان هذا حاله فكيف يتعذر عليه الاستغفار ... الثالث: قد صح ان النبي قال: حياتي خير لكم تحدثون و يحدث لكم و وفاتي خير لكم تعرض على اعمالكم فما رأيت من خير حمدت الله عليه و ما رأيت من شر استغفرت لكم ... الرابع: استغفار الرسول حاصل لجميع المؤمنين سواء من ادرك حياته او من لم يدركها قال الله تعالى: "استغفر لذنبك و للمؤمنين و المؤمنات"، و هذه منة من الله تعالى و خصوصية من خصوصيات سيدنا رسول الله. و قد سبق مما سبق ان الامور الثلاثة المذكورة في الآية و هي: ١. المجيء اليه؛ ٢. الاستغفار؛ ٣. واستغفار الرسول للمؤمنين ... حاصلة في حياته و بعد انتقاله^٢.

علامه ممدوح دربارہ سیرہ تمامی مسلمانان، یعنی زیارت مرقد مطهر نبوی، قبل یا بعد از مناسک حج، می نویسد: «و ما زال الحجاج على مدى قرون عديدة يأتون للزيارة قبل او بعد المناسك متشرفين بالوقوف بين يدي المصطفى يسلمون عليه فيرد عليهم السلام و يدعون و يستغفرون»^٣.

نتیجه

با تأمل در برخی آیات، و مطالعه شماری از روایات اهل سنت درباره زیارت، و تحقیق در فتاوا و آرای علمای اهل سنت در این خصوص، و توجه به سیره عملی رسول خدا ﷺ

١. وقتی مردگان عادی از کسانی که به زیارتشان می آیند، اطلاع دارند، حال پیامبران به ویژه خاتم آنان چگونه خواهد بود؟ ابن واسع درباره اطلاع اموات از زائران خود می نویسد: «ان الموتی يعلمون بزوارهم يوم الجمعة و يوماً قبله و يوماً بعده»؛ خطاب رعینی، مواهب الجلیل، ج ٣، ص ٥١.
٢. محمد سعید ممدوح، رفع المناره، ص ٦١-٦٤.
٣. همان، ص ٦٠.

و اهل بیت و بزرگان صحابه و تابعین و علما و مسلمانان مشخص می‌شود که زیارت قبور، به ویژه قبور صالحان و انبیا، و در رأس آنها پیامبر اعظم اسلام، فضیلت دارد و بر آن تأکید شده است؛ و چون مقدمه زیارت قبور، طی طریق و شد رحال برای این منظور است، سفرهای زیارتی هم به دلالت التزامی - به فرض اینکه هیچ روایتی در خصوص ترغیب به چنین سفرهایی وجود نداشته باشد و هیچ فقیهی به صراحت به استحباب یا اباحه چنین سفرهایی فتوا نداده باشد - مستحب و لا اقل مباح و مشروع است.

منابع

۱. ابن عابدین، **حاشیه رد المختار**، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵.
۲. بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷.
۳. بهوتی، منصور بن یونس، **کشاف القناع**، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸.
۴. حسینی همدانی، سید محمدحسین، **انوار درخشان**، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴.
۵. حصنی دمشقی، تقی الدین، **دفع الشبه عن الرسول والرسالة**، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۴۱۸.
۶. خطیب شریینی، محمد، **مغنی المحتاج**، بی جا: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷.
۷. دروزه، محمد عزت، **التفسیر الحديث**، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳.
۸. رعینی، خطاب، **مواهب الجلیل**، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶.
۹. عبدری فاسی مالکی المشهور بابن الحاج، أبو عبد الله، **المدخل**، بی جا: دار الفکر، ۱۴۰۱.
۱۰. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری**، بیروت: دار المعرفه، الطبعة الثانية، بی تا.
۱۱. عینی، بدر الدین، **عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری**، بی جا: دار الفکر، بی تا.
۱۲. کحلانی، محمد بن اسماعیل، **سبل السلام**، مصر: مصطفى البابي الحلبي و اولاده، الطبعة الرابعة، ۱۳۷۹.
۱۳. مبارکفوری، ابو العلا، **تحفة الاحوذی**، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰.
۱۴. ملاحویش آل غازی، عبد القادر، **بیان المعانی**، دمشق: مطبعة الترقی، الطبعة الاولى، ۱۳۸۲.
۱۵. ممدوح، محمد سعید، **رفع المنارة لتخريج احادیث التوسل والزيارة**، اردن: دار الامام النووی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶.
۱۶. واقدی، محمد بن عمر، **کتاب المغازی**، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسة الأعلمی، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.

